

**Comparative Reading of Identity Reflection in Arabic & Persian Young Adult Novels Based on Erik Erikson's Theory (Case Study: Faten and Hasti)**


Doi:10.22067/jallv15.i3.2024.81160

Elham Khademi 

PhD Candidate Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

Marzieh Abad¹ 

Associate Professor Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

Mohammad Javad Mahdavi 

Assistant Professor Department of Persian Language and Literature, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

Mahdi Kermani 

Assistant Professor Department of Social Sciences, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

Received: 8 August 2023 | Received in revised form: 5 October 2023 | Accepted: 19 December 2023

Abstract

In the present study, identity has been examined in two Arabic and Persian young adult novels based on Erik Erikson's theory of psychosocial development. According to this theory, adolescence is the fifth stage of development, and the primary challenge of this stage is the identity crisis, although not in its critical sense. The two novels studied are "Faten" by Lebanese writer Fatima Sharafeddin and "Hasti" by Iranian writer Farhad Hassanzadeh. "Faten" is set during the Lebanese civil war, while "Hasti" takes place at the beginning of the Iran-Iraq war, with young girls as the main characters in both stories. Sharafeddin's young adult novels primarily focus on analyzing and critiquing the social situation in Lebanon, while Hassanzadeh's approach in young adult novels is to empower and inform girls. This study highlights the significance of the adolescent stage and stresses the importance of establishing a successful identity during this period, pointing out literary researchers' neglect of this stage. Therefore, this study aims to explore these two literary works using Erikson's theory, a descriptive-analytical method, and a comparative literature approach. The research findings indicate that characteristics of adolescence in both novels can be categorized into three groups based on Erikson's theory: Identity crisis; Identity-seeking, which includes identification, societal support, adolescents' resistance to adult value systems, and love during adolescence; and Fidelity. By examining the role of identity and challenges faced by adolescents in these novels, it can be concluded that their main objective is to encourage young readers to develop a successful identity through education, learning, and interacting with knowledgeable individuals.

Keywords: Identity, Young Adult Novel, Erik Erikson, Fatima Sharafeddin, Farhad Hassan zadeh.

¹. Corresponding Author. E-mail: mabad@um.ac.ir

زبان و ادبیات عربی، دوره پانزدهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۴) پاییز ۱۴۰۲، صص: ۷۸-۶۰

خوانش تطبیقی بازتاب هویت در رمان نوجوان عربی و فارسی براساس نظریه اریک اریکسون

(مطالعه موردی: فاتن و هستی)



(پژوهشی)

الهام خادمی^۱ (دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران)
مرضیه آباد^۲ (دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، نویسنده مسئول)^۱
محمد جواد مهدوی^۳ (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران)
مهدی کرمانی^۴ (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران)

Doi:10.22067/jallv15.i3.2024.84293

چکیده

در این پژوهش به بررسی هویت در دو رمان نوجوان عربی و فارسی براساس نظریه رشد روانی اجتماعی اریک هامبورگر اریکسون پرداخته شده است. در این نظریه، نوجوانی در مرحله پنجم قرار دارد و چالش اصلی این دوران بحران هویت؛ البته نه به معنای مخاطره آمیز آن است. دو رمان بررسی شده عبارت‌اند از: «فاتن»، اثر فاطمه شرف‌الدین نویسنده لبنانی و «هستی»، اثر فرهاد حسن‌زاده نویسنده ایرانی. فاتن در فضای جنگ داخلی لبنان (۱۹۸۵) و هستی در اوایل جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰) روایت می‌شود و شخصیت‌های اصلی در هر دو، دختران نوجوان هستند. در رمان‌های نوجوان شرف‌الدین به تحلیل و نقد اوضاع اجتماعی لبنان، پرداخته می‌شود و در رمان‌های نوجوان حسن‌زاده رویکرد توانمندسازی و آگاهی‌بخشی به دختران به صورت برجسته‌ای نمود دارد. پژوهش‌ها از یک سو بر اهمیت مرحله نوجوانی و ضرورت شکل‌گیری هویت موفق در این مرحله تأکید دارد و از سوی دیگر، غفلت پژوهشگران ادبی از این دوران را نشان می‌دهد؛ به همین دلیل در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از نظریه اریکسون و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد ادبیات تطبیقی، این دو اثر بررسی شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، در رمان‌های فاتن و هستی، ویژگی‌های نوجوان براساس نظریه رشد روانی اجتماعی اریکسون در سه دسته‌بندی قرار می‌گیرد: ۱. بحران هویت؛ ۲. هویت‌یابی که خود شامل زیرمجموعه‌های همانندسازی، دریافت حمایت از جامعه، اعتراض نوجوان به نظام ارزشی بزرگسالان و عشق در نوجوانی است؛ ۳. تعهد. از بررسی جایگاه هویت و چالش‌های هویتی نوجوانان در رمان‌های فاتن و هستی، نتیجه‌گیری می‌شود که ترغیب جدی مخاطب نوجوان به کسب هویت سالم و موفق از طریق تحصیل، مطالعه و معاشرت با افراد شایسته، هدف اصلی دو رمان است.

کلیدواژه‌ها: هویت، رمان نوجوان، اریک هامبورگر اریکسون، فاطمه شرف‌الدین، فرهاد حسن‌زاده.

۱. مقدمه

«هویت» از جمله موضوعاتی است که در علوم مختلف مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاست، ادبیات، عرفان و... به آن توجه شده است. هنگامی که ارسطو در قرن چهارم قبل از میلاد سؤال «من کیستم؟» را مطرح کرد، شاید نخستین سؤال علمی درباره هویت را مطرح کرده باشد. سؤالاتی مانند «من کیستم؟» و «به کجا می‌روم؟» زمانی معنا می‌یابند که دیگری نیز حضور داشته باشد و در مقام مقایسه، به پاسخ دست می‌یابیم و هویت خود را تمییز می‌دهیم. گاهی فرد در روند زندگی دچار بحران هویتی می‌شود و گاهی یک هویت جدید، تهدیدی برای هویت گذشته اوست؛ از این رو، نظریه پردازان و پژوهشگران بسیاری در صدد حل این مسئله و ارائه راه‌حل برای آن برآمده‌اند.

هویت‌های سالم، اساس جامعه پیشرفته و بالنده را شکل می‌دهند؛ هویت‌هایی که از گذرگاه‌های بحران‌ها، سستی‌ها و پوچی‌ها رهیده‌اند و به خود و توانمندی‌های خویش اعتماد دارند. هویت، رابطه میان فرد و ساختارهای اجتماعی است و در ذیل روان‌شناسی رشد مطرح می‌شود. روان‌شناسی رشد، داستان سفر انسان از نوزادی به بزرگسالی را روایت می‌کند و از یک سو، علل رفتار افراد در سنین مختلف را بررسی می‌کند و از سوی دیگر، برای نحوه برخورد با افراد مختلف و درک رفتار آنان، راهکارهایی ارائه می‌دهد. برخی از نویسندگان ادبیات نوجوان مباحث تکامل هویت، ایجاد هویت‌های تعالی‌دهنده و عواقب بی‌اهمیت‌پنداشتن مسئله هویت را دست‌مایه روایت‌های خویش قرار داده‌اند. در این پژوهش از نظریه رشد روانی اجتماعی^۱ اریک هامبورگر اریکسون^۲ (۱۹۰۲-۱۹۹۴) برای تحلیل رمان *فاتن* از فاطمه شرف‌الدین و رمان *هستی* از فرهاد حسن‌زاده بهره گرفته شده است. این نظریه، مسئله هویت در دوران نوجوانی را بسیار مهم می‌داند.

۲. پیشینه پژوهش

برخی از پژوهش‌های مرتبط با رمان *هستی* عبارت‌اند از:

پژوهش پیرانی و توجهی فینی (۱۴۰۱) با عنوان «تأملی در زیبایی‌شناسی صحنه در ادبیات کودک، براساس نظریه ماریا نیکولایوا (مطالعه موردی داستان *هستی* نوشته فرهاد حسن‌زاده)» که نتایج نشان داد، عنصر زیبایی‌شناسی صحنه با تولید معنا ارتباط مستقیم دارد و در تقویت فهم کودک و نوجوان و بسیار مؤثر است.

رضایی و نجفی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی تطبیقی مهارت‌های زندگی در رمان‌های نوجوانان اریش کستنر و فرهاد حسن‌زاده» به بررسی مهارت‌های زندگی همچون همدلی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، خودآگاهی، مهارت فردی و تفکر خلاق در رمان‌های *هستی* و *زیبا صدایم کن* از فرهاد حسن‌زاده و *کلاس پرنده* و *خواجه‌ن* غریب از اریش کستنر پرداختند.

همچنین پژوهش‌های ارزشمندی براساس نظریه اریک اریکسون صورت گرفته است:

حسنی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «واکاوی انواع هویت در داستان‌های نوجوان براساس نظریه روانی اجتماعی اریکسون» ۱۸۰ عنوان داستان گروه سنی «د» و «ه» را براساس نظریه رشد اریکسون، تحلیل آماری کردند.

جیمز کوتاه^۳ (۲۰۱۸) در مقاله «سودمندی پایدار مفهوم اریکسون از بحران هویت در قرن بیست و یکم: تحلیل نگرانی‌های سلامت ذهنی دانش‌آموز»^۴ براساس نظریه اریکسون توصیه می‌کند که اگر نوجوان دچار ناتوانی از ادامه

تحصیل شود، باید به‌طور دائمی یا موقت از آن دست بکشد و وارد جمعیت‌هایی شود که فضا را برای او تعدیل می‌کنند و مشاوران نیز او را یاری رسانند.

براساس بررسی‌ها، تفاوت پژوهش حاضر با مطالعات پیشین در این است که تاکنون پژوهشی براساس نظریه اریکسون در آثار فاطمه شرف‌الدین و فرهاد حسن‌زاده به‌صورت تطبیقی و در آثار شرف‌الدین به‌صورت مستقل، صورت نگرفته است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و نظریه اریکسون و بر بنیان مکتب تطبیقی آمریکایی، رمان‌های نوجوان *فاتن* از شرف‌الدین و هستی از حسن‌زاده، با درنظرداشتن دو مؤلفه میزان اهمیت پرداختن به هویت نوجوان و آگاه‌سازی آنان از این مسئله و همچنین چالش‌های هویتی که نوجوانان دو روایت براساس نظریه اریکسون با آن‌ها مواجه شده‌اند، به‌دقت واکاوی شده است؛ بنابراین برای دستیابی به اهداف مذکور، پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که در رمان‌های *فاتن* و *هستی*، براساس نظریه رشد اریکسون، نوجوانان با چه چالش‌های هویتی مواجه شده‌اند و راهکار آن‌ها برای مواجهه و تلاش برای حل این چالش‌ها چیست؟ فرض بر این است که نوجوانان در هر دو رمان بحران هویت را تجربه می‌کنند و به فراخور شرایط زندگی برای رهایی از آن تدابیری را می‌اندیشند.

۳. ادبیات نظری پژوهش

پس از جنگ جهانی دوم، وقوع دگرگونی‌های سریع، ظهور خرده‌فرهنگ‌های جدید و فشارهای فردی و گروهی برای ادغام در جریان اصلی جامعه، باعث شد تا کیستی و چیستی، دغدغه اصلی طبقه روشنفکر و عامه افراد شود. در این دوران، هویت، مسئله محوری معنای زندگی و سازگاری فرد با محیط شده بود. هویت چه از حیث ادبی و چه از حیث علوم اجتماعی، موضوعات آسیب‌شناسی شخصی، سازگارکردن زندگی و طغیان وجودی را دربر می‌گیرد (دان، ۱۳۸۵: ۳۴). نظریه‌های علمی درباره شکل‌گیری هویت، ابتدا تحت‌تأثیر مفاهیم فلسفی و نظری بود، اما در اوایل و اواسط قرن بیستم میلادی تحت‌تأثیر تفکر روان‌کاوانه به‌ویژه آثار زیگموند فروید، دخترش آنا و شاگردشان اریک اریکسون، قرار گرفتند (کوئی، ۲۰۲۱: ۱۶).

اریکسون همچون فروید، رشد انسان را مبتنی بر اصل اپی‌ژنتیک^۵ می‌دانست؛ یعنی رشد شامل سلسله‌ای از مراحل همگانی و جهانی با توالی معینی است؛ اما برخلاف فروید، تأکید او بر رشد و کارکرد مثبت ایگو در تمام دوران حیات انسان است؛ نه فقط دوران کودکی (Erikson, 1963: 243). اریکسون نظریه رشد روانی-جنسی فروید را تا حدودی پذیرفت و با استفاده از ابعاد اجتماعی و تاریخی نظریه جدید خویش را ارائه کرد تا نشان دهد که رشد انسان در بستر جامعه رخ می‌دهد و تا بستر مرگ ادامه دارد (میلر، ۱۳۹۳: ۱۷۷). وی در کتاب *دوران کودکی و جامعه*^۶، نظریه روانی اجتماعی خویش را مطرح می‌کند و هشت مرحله تحول ایگو^۷ را بر اساس رشد فیزیولوژیکی توضیح می‌دهد. در این نظریه، فرد در هر مرحله بنا بر عوامل فیزیولوژیکی یا توقعات جامعه، با نقطه عطفی به نام «بحران»^۸ که اتفاقی فاجعه‌بار نیست و از نوع روانی اجتماعی است، مواجه می‌شود که نحوه برخورد و حل آن بر شکل‌گیری شخصیت وی تأثیرگذار است؛ اما با شکست خوردن در یک مرحله لزوماً فرد در مرحله بعد شکست را تجربه نمی‌کند. بحران‌ها، پایه‌ای برای سلامتی یا بیماری شخصیت فرد هستند که اگر به آن‌ها پاسخی قانع‌کننده داده شود، جنبه‌های مثبت شخصیت مثل اعتماد به نفس، خودکفایی و اعتماد به دیگران به میزان زیادی جذب ایگو می‌شود و شخصیت به رشد

سالم ادامه می‌دهد؛ ولی در مقابل اگر به تعارض‌ها و بحران‌ها در هر مرحله، به نحوی راضی‌کننده پاسخ داده نشود، ایگوی در حال رشد با اختلال روبه‌رو می‌شود و جنبه‌های منفی شخصیت مانند احساس حقارت، تردید و بی‌اعتمادی جذب آن می‌شود. تفاوت‌های فرهنگی و آداب و رسوم بر ارائه راه‌حل در مواجهه با مسائل در هر مرحله، تأثیر بسیاری دارد (شاملو، ۱۳۷۲: ۵۹-۶۱).

مرحله	بحران ایگو	سن تقریبی	فضیلت (نتیجه حل بحران)
دهانی - حسی	اعتمادی بنیادی اعتماد بنیادی در برابر بی	تولد تا ۱	امید
عضلانی - مقعدی	خودکفایی در برابر شرم و تردید	۲-۳	اراده
جایجایی - تناسلی	ابتکار در برابر احساس گناه	۴-۵	هدفمندی
نهفتگی	پیشرفت در برابر حقارت	۶-۱۲	شایستگی (قابلیت)
نوجوانی	هویت‌یابی در برابر آشفتگی نقش	۱۳-۱۹	تعهد (پابندی)
جوانی	صمیمیت در برابر انزوا	۲۰-۲۴	عشق و محبت
سالی میان	تولید در برابر بی‌حاصلی	۲۵-۶۴	دلسوزی
پیری	انسجام ایگو در برابر ناامیدی	۶۵-مرگ	خرمدندی

جدول ۱- مراحل رشد روانی اجتماعی در نظریه اریکسون، (Erikson, 1963: 245-247)

۴. دوران نوجوانی

در میان نظریه‌پردازان دوران نوجوانی، اریک اریکسون اهمیت ویژه‌ای برای این مرحله قائل است؛ زیرا آن را دوران اصلی شکل‌گیری هویت می‌داند که برای برخی از نوجوانان، گذراندن آن دشوار است و به دلیل عواملی از جمله وفادار نبودن به جامعه، به تعصب در برابر هنجارهای اجتماع یا جدایی از آن اقدام می‌کنند (Bezci, 2008: 2). به نظر اریکسون، نوجوانی دوران سازگاری در ترک کودکی و آماده‌شدن برای بزرگسالی است. وی وقفه‌های هویتی در دوران نوجوانی را تعلیق^۹ (مهلتی) روانی اجتماعی می‌داند که امکان «ادغام عناصر هویت» را فراهم می‌کند و این مهلت را از اجزای مهم توسعه هویت برمی‌شمرد (Erikson, 1968, α: 128). اریکسون، هویت را مفهومی بینارشته‌ای میان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی معرفی کرد و تأثیر وی بر نشان دادن اهمیت هویت بدون تردید است (Côtéa, 2018: 1). وی از اصطلاح «بحران هویت»^{۱۰} برای توصیف وضعیت نوجوانی که دچار گسستگی شده است، استفاده کرد. این گسستگی در لحظاتی مانند جدایی از تجربیات قبلی و تغییر شکل ظاهری دیده می‌شود که نوجوان تصویر شکل گرفته‌شده‌اش را به‌عنوان شخصی که قبلاً بود، پیدا نمی‌کند (السلطان، ۲۰۰۴: ۲۹).

در نگاه اریکسون، ممکن است هویت‌های دوران کودکی به دلیل ماهیت محدود و بررسی‌نشده‌ای که دارند، به سردرگمی منجر شوند؛ بنابراین برای تبدیل این هویت‌های چندگانه به هویت مفرد، لازم است فرایند رشد صورت گیرد. شکل‌گیری هویت از جایی آغاز می‌شود که شخص به‌صورت گزینشی با توجه به رشد و فرایند اجتماعی شدن، برخی از هویت‌ها را نفی و برخی را جذب می‌کند و با ایجاد تغییراتی به پیکربندی هویت‌ها دست می‌یابد و به ایجاد کل منحصربه‌فرد و نسبتاً منسجم منجر می‌شود. رسیدن به این کل منسجم هویتی ناشی از بلوغ اجتماعی و نشان از تعهد و وفاداری است. (Schachter, 2014: 73-74)

۵. رمان نوجوان و هویت

رمان نوجوان برای نوجوانان نگاشته می‌شود؛ اما طرفداران بزرگسال خاص خود را نیز دارد و ژانری نسبتاً جدید در ادبیات کودک و نوجوان در جهان محسوب می‌شود. سابقه شکل‌گیری رمان نوجوان به دهه ۱۹۶۰ می‌رسد (Trites: 2000: 8). نظریه‌پردازان ادبی مؤلفه‌هایی را برای رمان نوجوان ذکر کرده‌اند؛ از جمله مک‌کالم^{۱۱} معتقد است که احساس نوجوان از داشتن هویت شخصی در جایگاه یک عامل، به جامعه وابسته است. این هویت شخصی به او کمک می‌کند تا بتواند بیندیشد و براساس آگاهی و اختیار تصمیم بگیرد. به باور کارن کوتس^{۱۲}، در گذشته، در دیدگاه ادبیات نوجوان، شکل‌گیری هویت امری فردی بوده است؛ اما امروزه به امری اجتماعی تبدیل شده است. وی سوژگی فرد را با افرادی که در زندگی وی هستند، در ارتباط می‌داند و معتقد است که فرایند شکل‌گیری هویت فردی در جامعه رخ می‌دهد (کوتس، ۱۴۰۰: ۵۰). به نظر ماریا نیکولایوا^{۱۳}، مسئله اصلی رمان نوجوان، رشد و بزرگ‌شدن است. او بررسی رمان‌ها را فرصتی برای تعیین جایگاه شخصیت اصلی داستان‌ها در فرایند رشد می‌داند (خسرونژاد: ۱۳۸۷: ۵۰۰). نقطه مشترک نظریه‌های مذکور، مسئله رشد و هویت است. با توجه به اهمیت شکل‌گیری هویت در نوجوان در میان نظریه‌پردازان ادبی و روان‌شناسی، برآن شدیم تا دو رمان نوجوان *فاتن* و *هستی* را در حیطه ادبیات تطبیقی و مطالعات میان‌رشته‌ای، براساس نظریه رشد روانی اجتماعی اریک اریکسون بررسی کنیم. به نظر روان‌شناسان، آثار فاخر ادبی این قدرت را دارند که مخاطب را تحت تأثیر قرار دهند و انگیزه درک حقیقت را ایجاد کنند؛ چراکه این آثار حقیقت ما هستند و ما را با خودمان آشنا می‌کنند (سروش، ۱۴۰۱: ۸۵).

۶. فضای رمان‌های *فاتن* و *هستی*

فاطمه شرف‌الدین (۱۹۶۶)، نویسنده و مترجم لبنانی، از سال ۲۰۰۰ بیش از صد کتاب کودک متنوع را به رشته‌ی تحریر درآورده است. وی جوایز ملی و بین‌المللی بسیاری همچون جایزه «گرامشی»^{۱۴} ایتالیا (۲۰۲۲) را برای رمان *فاتن* به دست آورد و چندین بار نامزد دریافت جایزه «هانس کریستین آندرسن» معروف به «نوبل ادبیات کودک» شد. توجه فراوان نویسندگان به زن، در رمان‌های عربی از همان ابتدای پیدایش آن‌ها دیده می‌شود. گواه این ادعا نام این آثار است: *ذات الخدر* از یعقوب صروف، *زینب* از محمدحسین هیکل، *ثریا* از عیسی عبید و... (راجرز، ۱۳۹۷: ۱۲۹). گویی شرف‌الدین نیز به علت دغدغه‌مندی از اوضاع اجتماعی دختران، نام دختر را بر کتابش نهاده است. روایت *فاتن* نخستین بار در سال ۲۰۱۰ در ۱۶۳ صفحه منتشر شد که وقایع آن در حوالی سال ۱۹۸۵ در بجنوبه جنگ‌های داخلی بیروت، روی می‌دهد. *فاتن* دختری پانزده‌ساله و روستایی است که به دلیل فقر، پدرش او را مجبور می‌کند با ترک تحصیل به‌عنوان خدمتکار در بیروت کار کند. او اوضاع زندگی‌اش را شایسته خویش نمی‌بیند و بعد از دو سال تصمیم به تحصیل مخفیانه می‌گیرد. به علت غیبت چند روزه از محل کارش اخراج می‌شود و به روستا بازمی‌گردد. پس از مدتی در بیمارستانی در بیروت به‌عنوان منشی استخدام می‌شود و هم‌زمان درس و کارش را ادامه می‌دهد.

فرهاد حسن‌زاده (۱۹۶۲)، نویسنده توانمند کودک و نوجوان، دارای افتخارات داخلی و خارجی بسیاری است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به دریافت لوح تقدیر جایزه «هانس کریستین آندرسن» در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ اشاره کرد. ویژگی اصلی رمان‌های حسن‌زاده، پرداختن به دغدغه‌های نوجوانان و آگاهی‌بخشی به آنان است. رمان *هستی*، نخستین

بار در سال ۲۰۱۰ در ۲۶۲ صفحه منتشر شد. این اثر روایت دختری سیزده ساله به نام هستی است که در بستر اجتماعی اندکی قبل و بعد از حمله عراق (۱۹۸۰) به ایران، در آبادان روایت می‌شود. هستی دختری جسور و مهربان است که ظاهر و علاقه‌مندی‌های پسرانه دارد. با شروع جنگ، هستی با خانواده‌اش از آبادان به کمپ جنگ‌زدگان در ماهشهر می‌روند و با وقایع متعددی در آنجا مواجه می‌شود که بر رشد شخصیتی و رفتاری او بسیار مؤثر است. قهرمان دو اثر *فاتن* و *هستی* متأثر از رفتارهای ناشایست پدرانشان، دچار بحران هویتی و چرایی‌های متعدد می‌شوند. با توجه به سلطه‌ی مردان بر زنان و انتقاد از قوانین اجتماعی و فرهنگی که سعی در به حاشیه راندن و حتی حذف جنس زن دارد (مریمی و حیدریان شهری، ۱۴۰۱: ۳۷). دو اثر حاضر نیز با استفاده از قدرت روایت، سعی در بازنمایی ظلم‌ها و آسیب‌های متحجرانه بر زنان را دارد.

۷. پردازش تحلیلی موضوع

اریکسون، بدو تولد را آغاز تکوین و جست‌وجوی انسان برای دستیابی به هویت می‌داند که نقطه عطف آن، نوجوانی است و تا پایان عمر ادامه دارد. در دو اثر *فاتن* و *هستی* با قهرمانان و شخصیت‌های نوجوانی مواجه هستیم که رفتارهای آنان با ویژگی‌های دوره پنجم نظریه رشد اریکسون یعنی مرحله نوجوانی همخوانی دارند. گفتنی است، با مطالعه کتب متعدد اریکسون مشخص شد که او در آثار مختلف خویش مؤلفه‌های دوران نوجوانی را ذکر کرده؛ اما آن‌ها را دسته‌بندی و در یک اثر مطرح نکرده است؛ از این رو محققان این پژوهش با تأمل در آثار اریکسون، مؤلفه‌های مدنظر او برای دوران نوجوانی را شناسایی و دسته‌بندی کردند که در ادامه ذکر شده است.

۱. بحران هویت و مواجهه با آن

انسان در برابر تجربیات متناقض و گرایش‌های متعدد در جامعه، بار سنگینی را تحمل می‌کند و در این میان باید با ساختن و پرداختن هویت از خویشتن حراست کرده و برای ادامه حیات تصمیم‌های مناسب بگیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۶۱). لئونارد بایندر، استاد دانشگاه شیکاگو و خاورمیانه‌شناس آمریکایی، رشد و توسعه کشورها را درگرو عبور از پنج بحران می‌داند که یکی از آن‌ها بحران هویت است. وی معتقد است که علت رشد کشورهای صنعتی، عبور از بحران‌ها به‌خصوص بحران هویت است (علیخانی، ۱۳۸۶: ۲۰). اریکسون، اصطلاح «بحران هویت» را زمانی که فقدان هویت را در سربازان جنگ جهانی دوم مشاهده کرد، ابداع کرد. همچنین وی در میان نوجوانان آشفته، مشکلی مشابه دید و سرانجام تشخیص داد که مشکل هویت معمولاً در مقیاسی کوچک‌تر در همه زندگی‌ها به وجود می‌آید (میلر، ۱۳۹۳: ۱۸۲). همانگونه که اشاره شد اریکسون بحران را معادل فاجعه نمی‌داند؛ بلکه در نظر او نقطه عطف ضروری برای رشد، بهبود و تمایز است. در نگاه او بحران هم می‌تواند فرصتی برای رشد فوق‌العاده باشد و هم به بروز عواقبی ناگوار منجر شود (Erikson, 1968, α: 16). اریکسون بحران‌ها را لحظاتی می‌داند که فرد تصمیم می‌گیرد پیشروی یا پسروی کند و خوش‌بینانه معتقد است که انسان‌ها به حل بحران گرایش دارند و نتیجه آن، تکوین هویت قوی است. وی این نوع بحران‌ها را متفاوت از بحران‌های روان‌رنجوری، تحمیلی و دردناک می‌داند. عبور از هرکدام از آن‌ها انرژی جدیدی را در فرد به وجود می‌آورد و مطابق با مراحل رشد، جامعه فرصت جدیدی را در اختیارش قرار می‌دهد (همان: ۱۶۲-).

۱۶۳). حل و فصل شدن یا نشدن بحران‌ها از سویی به کیفیت تجربه‌های روانی اجتماعی فرد وابسته است و از سوی دیگر به تلاش‌های شخص برای تحلیل تجربه‌ها، یکپارچه‌کردن آن‌ها و استفاده از توانایی‌ها و مهارت‌ها متکی است. اریکسون افراد را اسیر نیروهای بیرونی نمی‌داند؛ بلکه معتقد است که انسان‌ها برخوردی رشدافزا و سازنده با تجربیات دارند. حل شدن هر بحران، ایگو را تقویت می‌کند و احتمال حل شدن بحران‌های مراحل بعد را افزایش می‌دهد و در صورت حل نشدن بحران، ایگو رو به ضعف می‌رود؛ بنابراین مراحل به یکدیگر وابسته‌اند (Erikson, 1963: 272). اریکسون خاطر نشان می‌کند که حل یک بحران به صورت کاملاً مثبت یا منفی نیست؛ بلکه در حل آن آموزه‌های مثبت و منفی برای فرد وجود دارد. اگر آموزه‌های مثبت بیشتر از آموزه‌های منفی باشد، حل بحران به صورت مثبت انجام می‌شود (Evans, 1967: 15). نوجوانانی که موفق نمی‌شوند تا تعارضات این دوران را به درستی حل کنند، دارای هویت منفی^{۱۵} می‌شوند. در این زمان، به نقش‌هایی که اجتماع آن را درست می‌داند به دیده حقارت می‌نگرند و به گروه‌ها، افراد و ایدئولوژی‌های مخرب علاقه‌مند می‌شوند (Erikson, 1968, b: 172-173). اریکسون معتقد است که هویت یک‌باره به دست نمی‌آید و خاص دوران نوجوانی نیست؛ اما بحران هویت معمولاً در نوجوانی روی می‌دهد. اریکسون بحران هویت نوجوانان را ناشی از آشفتگی نقش^{۱۶} می‌داند؛ یعنی نوجوان نمی‌داند کیست و می‌خواهد چه کسی شود. نوجوانی مرحله پرفراز و نشیب خودآگاهی است. از مشخصه‌های نوجوانی، بروز تمایلات جنسی، رشد سریع بدن و شک و شرم درباره گذشته و آینده است (Ryckman, 2008: 185).

فاتن، دختری پانزده‌ساله و قهرمان رمان *فاتن* است. به علت فقر، پدرش او را مجبور می‌کند تا مدرسه را ترک کند و به‌عنوان خدمتکار شبانه‌روزی در منزل آقای عاصم، از روستا به بیروت برود. او در نوجوانی با سلسله‌ای از وقایع روبه‌رو می‌شود که موجب می‌شود برای مدتی دچار بحران هویت شود. تغییر ناگهانی جایگاه فاتن از دانش‌آموزی درس‌خوان به خدمتکار شبانه‌روزی، او را به شدت دچار آشفتگی هویتی می‌کند. از یک سو، فاتن وارد شهری شده است که دچار جنگ داخلی است و صدای انفجار در کوچه و خیابان شنیده می‌شود (شرف‌الدین، ۲۰۱۷: ۱-۲). از سوی دیگر، علاوه بر انجام دادن تمام کارهای منزل، مدام امر و نهی می‌شود و باید فرمایش‌های ریز و درشت تمام اعضای خانواده چهارنفره آقای عاصم (دو دختر و پدر و مادر) را اطاعت کند. خبری از تشکر و احترام نیست. دالیا هم‌سن و سال فاتن است؛ اما رفتاری ثابت ندارد؛ به طوری که گاهی به فاتن نزدیک می‌شود و درد دل می‌کند و گاهی از موضع بالا با او برخورد می‌کند و یادآور می‌شود که خدمتکاری بیش نیست؛ این رفتارها سبب بی‌اعتمادی فاتن به دالیا می‌شود. جدا از آمرانه صحبت کردن اعضای خانواده عاصم با فاتن که او را می‌آزارد، چیزی که به شدت باعث رنجش وی می‌شود، این است که گاهی در زمان صدازدنش به جای اینکه نامش را بر زبان آورند، به او می‌گویند: ای دختر؛ «یا بنت ... تکره فاتن آن ینادوها یا بنت» (همان: ۱۱). این نوع خطاب کردن، او را در هم می‌شکند؛ یعنی این قدر صدا زدن نامش سخت است؟! شاید قصد تحقیرش را دارند! اعضای خانواده آن قدر از فاتن توقع دارند که گمان می‌کند باید خدمتکاری خارقالعاده باشد تا بتواند خرده‌فرمایش‌های همه‌شان را تا شب انجام دهد. هر شب قبل از خواب باید همه‌چیز را مرتب کند و برق ببندد. برای سؤال است که چرا حق ندارد یک روز از خواب بیدار شود و بگوید حالم امروز خوب نیست و کار نکند یا دلش گرفته است و می‌خواهد قدم بزند؟ (همان: ۱-۱۲).

طبق نظر اریکسون، فاتن به علت نداشتن تجربه چنین برخوردها و اتفاقاتی و نیز نداشتن آگاهی برای مقابله‌ها با آن، دو سال را با سردرگمی و دست و پنجه نرم کردن با سوالات بدون پاسخ سپری می‌کند، تا جایی که در روز تولدش

احساس پوچی بر او غالب می‌شود و احساس می‌کند که وجود و احساساتش هیچ معنا و اهمیتی ندارد: «الیوم، الأحد ۱ شباط ۱۹۸۷، هو یوم عید میلاد فاتن. إنها وحدها في الشقة، تتهياً لزيارة رزّٰن. لكنّها هذا الصباح تشعر بفرغ وكأن لا معنى لوجودها ولحياتها. لا معنى لمشاعرها وأحلامها» (همان: ۱۸). به نظر اریکسون، افراد به حل بحران تمایل دارند و برای فاتن نیز چنین است. او تصمیم می‌گیرد با ادامه تحصیل بر این بحران غلبه پیدا کند و موفق هم می‌شود. همچنین اریکسون معتقد است که جامعه برای فردی که در پی حل بحران است، فرصت‌های جدیدی را در اختیار می‌گذارد که در قسمت «حمایت جامعه از نوجوان»، فرصت‌های پیش‌آمده برای فاتن بیان خواهد شد. نکته دیگر، تلاش‌های فاتن است که از تمام توانایی‌ها و موقعیت‌های خویش، برای رشد شخصیتی و هویتی بهره می‌برد و در قسمت «تعهد» به تفصیل به آن پرداخته می‌شود. لذت رسیدن به مقصد، دردهای عمیق فاتن را به مرور التیام می‌بخشید و او در اوج ناراحتی و یأس با تصمیم به پایان‌دادن به موقعیت رقت‌بارش و با کمک‌گرفتن از دوستان، هویت مستقل و سالم خود را به‌مرور شکل می‌دهد.

در روایت هستی، هستی به‌شدت معترض رفتارهای سرکوب‌کننده و تحقیرآمیز پدرش درباره خویش است. بازتاب این رفتارها باعث می‌شود که هستی بارها گمان کند که پدرش، پدر واقعی او نیست. اگر هست، چرا این‌طور بی‌رحمانه با او برخورد می‌کند؟ و اگر نیست، پدر واقعی‌اش کجاست؟ احساس تعلق‌نداشتن به خانواده به‌شدت پایه‌های هویتی او را می‌لرزاند. یک سؤال اساسی همیشه ذهن او را به خود مشغول کرده است و آن اینکه «او کیست و چگونه وارد این خانواده شده است؟» و داستان‌های متعددی در ذهنش می‌سازد و در موقعیت‌های مختلف برای مادر و خاله‌اش تعریف می‌کند تا شاید به پاسخی قانع‌کننده برسد: «یک‌طور دیگر هم فیلم خودم را ساخته بودم. این‌طور که مامانم از شوهر اولش جدا شده. بعد از مدتی عروسی کرده؛ اما درست شب عروسی به بابا می‌گویند که از شوهر اولش حامله است. بابا هم به خاطر اینکه آبروریزی نشود و شاید هم، چون مامان را خیلی دوست داشته، قبول می‌کند. وگرنه چرا بابا همیشه با من بدرفتاری می‌کرد؟» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۹). احساس بحران هویت ناشی از مشخص نبودن پدر واقعی، تا صفحات پایانی روایت همراه همیشگی هستی است. مجهول‌بودن پدر اریکسون نیز همیشه او را آزار می‌داد و ابتدا او را فردی افسرده و گوشه‌گیر کرد؛ اما بعد از ورود به دنیای روان‌شناسی همین امر باعث شد تا برای نخستین بار اصطلاح «بحران هویت» را مطرح کند. در انتهای روایت، هستی و پدرش برای نخستین بار دوستانه با یکدیگر صحبت می‌کنند. در ابتدا پدر می‌گوید: «یه چیزی می‌خواستم بگم که سخته» (همان: ۲۴۶). نگرانی و ترس همیشگی به سراغ هستی می‌آید و فکر می‌کند که می‌خواهد بگوید که پدرش نیست، ولی موضوع این نبود. او اعتراف می‌کند که به علت ترسی که از چهارسالگی همراه همیشگی اوست، به شجاعت و ریسک‌پذیری هستی حسادت می‌کرده و به همین دلیل او را تحقیر و تنبیه می‌کرده است. پدر هستی می‌گوید: «با همی کوره‌سوادم فکر می‌کنم شخصیت هرکسی توی بچگی‌ش ساخته می‌شه» (همان: ۲۴۸). این نظر پدر هستی همان نظر فروید است که پنج‌سالگی را پایان رشد شخصیت می‌داند و اریکسون در نقد آن نظریه خویش را مطرح می‌کند و معتقد است که رشد شخصیت تا پایان عمر ادامه دارد. برخورد دوستانه پدر با هستی سیزده‌ساله در این صحنه، خود مؤید رشد شخصیت پدر در انتهای روایت است؛ بنابراین براساس نظریه اریکسون، رشد شخصیت و هویت تا زمان مرگ ادامه دارد. در کمال ناباوری، پدر، هستی را به علت رفتن به آبادان می‌ستاید: «وقتی مامانم گفت رفتی آبادان، همی جور موندم. خیلی خوشم اومد یه جورایی» (همان: ۲۴۹). هستی پس از تلاش و ریسک رفتن به آبادان با موتور، تعجب و تحسین درونی پدر را برمی‌انگیزد و انگیزه‌ای می‌شود تا پدر

راز نهان را به دختر بگوید. همچنین پدر از هستی می‌خواهد که دیگر او را با دایی جمشید مقایسه نکند؛ در نتیجه مشخص می‌شود که علت بد رفتاری‌های پدر هستی با وی عبارتند است از: آسیب روحی پدر که ناشی از ترس در دوران کودکی است، انجام دادن کارها و رفتارهایی فراتر از سن و شجاعانه توسط هستی و مقایسه پدر با دایی جمشید. گفته شد که اریکسون خوش بینانه به حمایت جامعه از نوجوان در حل بحران معتقد است. یونگ نیز بر این باور است که در فلسفه قدیم دو اصل متناقض به نام‌های «روشنایی» و «تاریکی» وجود داشت که هرگاه یکی از این دو به نهایت قدرت خود می‌رسند، دیگری شروع به جوانه‌زدن می‌کند (یونگ، ۱۳۸۰: ۵۳). فاتن و هستی در اوج بحران هویت که می‌توان آن را به سیاهی مانند کرد، با تلاش و تسلیم‌ناپذیری در برابر اتفاقات، به نور که همان حل بحران است، دست می‌یابند. اریکسون برای حل بحران هویت پیشنهاد می‌دهد که فرد شرایط موجود را ترک کند و در گروه‌های اجتماعی دیگری عضو شود. خود نیز بعد از دبیرستان در رشته هنر مشغول به کار شد، اما بعد از مدتی آن را رها کرد و در جست‌وجوی خویش به سفر پرداخت که برایش سودمند بود.

در تأیید گفته اریکسون، تویس^{۱۷} نیز دریافت که با عضویت در گروه‌های متعدد و کسب هویت‌های چندگانه، اضطراب، افسردگی و پریشانی کاهش می‌یابد، (Desrochers, 2002: 3)؛ البته به این شرط که فرد دچار تضاد هویتی در میان هویت‌های متعدد نشود؛ زیرا ممکن است موجب تنش در وی شود. فاتن هرچند نمی‌تواند به دلخواه برای رهایی از بحران هویت و آلام ناشی از آن، منزل آقای عاصم را ترک کند؛ اما تصمیم به ادامه تحصیل، شرایط دور شدن از آن محیط را برایش فراهم می‌سازد. رابطه هستی با پدرش بعد از یک مشاجره مفصل، بسیار مکدر می‌شود و او بدون اطلاع، ماهشهر را به مقصد آبادان و رفتن پیش دایی جمشید ترک می‌کند. هرچند ترک خانه بسیار موقتی است و عضو گروهی نشده است اما برایش سودمند است.

۲.۷. هویت‌یابی

اریکسون، هویت را دارای چند مفهوم می‌داند که در بیشتر مواقع احساس یگانه‌بودن و جهت‌داشتن در فرد از این جمله است. این مفاهیم از تجربیات روانی اجتماعی ادغام‌شده در ایگو همچون همانندسازی فرد با خانواده، هم‌کلاسی‌ها و همسالان و خودانگاره‌های^{۱۸} او نشئت می‌گیرد (Evans, 1967: 36). از دیگر تجربیات روانی اجتماعی می‌توان به احساس رضایت از انتخاب مثل انتخاب همسر مناسب، ارتباط فرد با آینده همچون انتخاب شغل و به رسمیت شناخته‌شدن از سوی دیگران به‌عنوان عضو مسئول در جامعه نام برد. بخش درخور توجهی از هویت ما را، کارهایی که برای زندگی انجام می‌دهیم، حمایت جامعه از ما و آرمان‌هایی که در کلاس، کشور و در فرهنگ خود درونی می‌کنیم، تشکیل می‌دهد (Erikson, 1964: 93). به عقیده اریکسون، هویت شامل چیزهایی است که هستیم و می‌خواهیم باشیم و نیز چیزهایی که نمی‌خواهیم باشیم یا تصمیم نداریم مانند آن‌ها باشیم (Evans, 1967: 32). از گفتار اریکسون چنین برمی‌آید که هویت حاصل مجموعه‌ای از تجربیات روانی اجتماعی است و هر تجربه گامی برای هویت‌یابی محسوب می‌شود. در ادامه برخی از تجلیات هویت‌یابی در دو اثر فاتن و هستی، براساس سخنان اریکسون بررسی می‌شود.

۱.۲.۷. همانندسازی^{۱۹}

نوجوانان تمایل دارند با تمسک به مجموعه‌ای از اهداف و اصول به زندگی معنا دهند و به آن پایبند باشند، اما انتخاب اصول رضایت‌بخش برای آنان بسیار دشوار است. اریکسون معتقد است، نوجوانان در دوران آشفته نوجوانی برای اینکه به‌طور موقت به خود نظم دهند، با قهرمان‌ها، گروه‌ها و جماعت‌ها همانندسازی افراطی می‌کنند. معیار آن‌ها برای تشخیص خودی از غیرخودی، ظواهری مانند لباس و ژست آن‌ها است. نوجوانان با تشکیل دار و دسته و خلق قوانین، به‌طور موقت به یکدیگر کمک می‌کنند تا از سردرگمی نجات یابند، اما نکته‌ای که وجود دارد این است که گاهی نوجوان اطمینان ندارد که زن است یا مرد، دوباره می‌تواند خودش را جمع‌وجور کند یا نه؟ آیا توانایی تسلط بر تکانه‌های جنسی و تمایلات خود را دارد یا خیر؟ آیا می‌داند که کیست و چه می‌خواهد؟ در این دوران، داشتن صبر بسیار دشوار است (Erikson, 1968, a: 200). همان‌طور که اشاره شد، گاهی همانندسازی نیز با خانواده، هم‌کلاسی‌ها و همسالان است. پرواضح است که همانندسازی با افراد موجه جامعه به رشد شخصیتی و هویتی افراد منجر می‌شود و برعکس، همانندسازی افراطی با هنرپیشگان، دوستان ناباب و... موجب بروز اختلال در هویت در حال رشد و بروز خطای رفتاری می‌شود. در نظریه فروید همانندسازی مکانیسمی برای کاهش اضطراب و تعارض‌های درونی است که فرد ویژگی‌های شخص دیگر را می‌پذیرد و اریکسون نیز نظر وی را دنبال می‌کند (Ryckman, 2008: 70).

در روایت فتن، دالیا پانزده سال دارد و دختر بزرگ خانواده‌ای ثروتمند است. علاقه‌ای به درس‌خواندن ندارد و دوستانش چندین بار با تقلب، امتحانات را با موفقیت پشت سر گذرانده‌اند؛ حتی کار به جایی کشیده است که سؤالات امتحان ریاضی را سرقت کرده‌اند (شرف‌الدین، ۲۰۱۷: ۲۷-۲۸). در اینجا، همانندسازی منفی با همسال باعث شده است تا تجربه شیرین کسب نمره مطلوب با تقلب، تعدادی از دانش‌آموزان را باهم متحد کند تا از زیر بار درس‌خواندن شانه خالی کنند و به‌طور موقت اضطراب و نقص تنبلی خود را برطرف کنند. در صورت ادامه این روند رشد هویتی نوجوان با اختلال مواجه شود.

هستی سیزده ساله نمی‌تواند خود را با فرهنگ بزرگسالان که دختر را در چارچوب خاصی تعریف می‌کنند، هماهنگ کند. لباس‌هایش، مدل مویش و نوع ورزشش نشان از همانندسازی او با پسران دارد. دوستان هستی پسرهای همسایه هستند: «من دلم نمی‌خواست بلوز دامن بپوشم. موهایم را بلند کنم و بریزم روی شانه‌هایم یا از پشت ببندمشان. از ژیکول‌بازی و لاک‌زدن هم خوشم نمی‌آمد» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۷). اریکسون یکی از ویژگی‌های نوجوان را تردید در زن یا مردبودنش می‌داند که برای هستی تاحدی پیش آمده است. در این مقطع، هستی در اوایل نوجوانی است و به تطابق هویت جنسی با ظاهر، نرسیده است و در مسیر رشد هویت جنسی تکامل می‌یابد. همچنین گمان می‌رود هستی از سویی برای فرار از تعارض‌ها و اضطراب‌های ناشی از بدرفتاری‌های پدر و از دیگر سوی به علت درگیری در بحران هویتی که پدر واقعیش کیست و نیز برای قدرت گرفتن، به این همانندسازی روی آورده است. این همانندسازی او را از شخصیت فردی ضعیف یعنی «دختر» به سوی فردی دارای قدرت یعنی «پسر» سوق می‌دهد و تسکین افکار و احساسات مضطرب کننده وی می‌شود. «بابا دلش می‌خواست مثل همه دخترها، توسری بخورم و نخود و لوبیا پاک کنم» (همان: ۲۷).

۷.۲.۲. دریافت حمایت از جامعه

اریکسون بر این عقیده است که همه مردم جهان در مقطع‌های مهم رشد خویش، آمادگی این را دارند تا شعاع اجتماعی زندگی‌شان را گسترش دهند و با دیگران تعامل داشته باشند و جامعه نیز این ظرفیت تعاملی را دارد (Erikson, 1963: 243). همان‌طور که ذکر شد، اریکسون حمایت جامعه از نوجوان را یکی از مصادیق تجربه‌های روانی اجتماعی برای تکوین هویت سالم می‌داند. حمایت جامعه از سوی شبکه‌های اجتماعی مانند دوستان، آشنایان، همکاران و نهادهای مدنی مانند سمن‌ها، باشگاه‌ها، گروه‌ها و در نهایت در قالب نهادها و سازمان‌های رسمی صورت می‌گیرد. فتن در بیروت با افرادی آشنا می‌شود که حمایت هر کدام از آن‌ها بر رشد شخصیتی و هویتی او بسیار تأثیرگذار است. رزالین، خدمتکار آفریقایی همسایه طبقه پایین، نخستین دوست فتن در بیروت است. او همیشه لبخند بر چهره دارد و با فتن همچون دخترش برخورد می‌کند و دلخوشی بزرگ آن روزهای اوست: «فزیارتها لصدیقتها الوحيدة هنا تعطیها جرعة من الامل في الحياة» (شرف‌الدین، ۲۰۱۷: ۱۸-۱۷). فتن تصمیم گرفته است تا پرستار شود و سؤالات بسیاری در این باره دارد. تنها کسی که به فکرش می‌رسد می‌تواند به سؤالات او پاسخ دهد، مروان پسر همسایه است. هستی نامه‌ای می‌نویسد و رزالین آن را به دست مروان می‌رساند و از آن روز، او رابط میان فتن و مروان می‌شود (همان: ۲۲). همچنین زمانی که فتن پنهان از چشم دیگران و به صورت غیرحضور شروع به ادامه تحصیل می‌کند، در زمان امتحانات پایان سال برای اینکه خانواده آقای عاصم متوجه این موضوع نشوند رزالین با دوستش هماهنگ می‌کند تا فتن به خانه او برود (همان: ۱۱۴). فتن بخش بزرگی از پیشرفت خود را مدیون حمایت‌های اوست. مروان نیز در این مسیر همراه اوست؛ همراهی‌ای از جنس عاطفه و کمک تحصیلی. مروان سؤالات مربوط به ادامه تحصیل را از مراکز آموزشی می‌پرسد و فتن را از قوانین مطلع می‌کند (همان: ۷۸). همچنین امور مربوط به ثبت نام او برای شرکت در امتحانات را انجام می‌دهد (همان: ۱۱۴). شخصیت دیگر، دلال دوست صمیمی فتن در روستا است که از تمام احساسات، اسرار و منویات قلبی یکدیگر مطلع هستند. وقتی فتن تصمیم به ادامه تحصیل می‌گیرد، دلال کتاب‌های درسی‌اش را برای فتن به بیروت می‌آورد (همان: ۱۰۵) و دورادور در این مسیر همراه او است. همچنین آنگاه که فتن به علت غیبت از خانه آقای عاصم برای شرکت در امتحانات پایان سال مورد سوء ظن و خشم پدرش قرار می‌گیرد، پدر دلال به حمایت از فتن می‌پردازد و پدرش را قانع می‌کند تا به ادامه تحصیل فتن راضی شود (همان: ۱۳۳). حمایت‌های متعدد از جانب افراد مختلف جامعه از فتن باعث می‌شود تا از سویی سختی‌های زندگی‌اش تحمل پذیر شود و از سوی دیگر، در مسیر رشد هویتی مثبت قرار گیرد؛ البته عزم راسخ فتن برای ادامه تحصیل، عامل مهمی برای شکل‌گیری حمایت‌های مذکور است.

در روایت دیگر، هستی به علت شرایط سنی در موقعیتی قرار دارد که حمایت اجتماعی فراسوی خانواده معنایی ندارد. او برخلاف فتن، به نظام خانواده و خویشاوندی محدود است. به رغم رابطه بسیار نامناسب هستی و پدرش، او به شدت تحت حمایت و تشویق و آموزش غیرمستقیم مادر، دایی جمشید و خاله نسرین است؛ حمایت‌هایی از جنس هویت‌بخشی به هستی در برابر ویژگی هویت‌یابی او که از خصوصیات بارز دوران نوجوانی است. نوع حمایت از هستی نیز متناسب با سن و سالش است. وقتی دست هستی در بازی فوتبال می‌شکند و در گچ است، درحالی که پدرش از دست او بسیار خشمگین است، مادرش مهربانانه سر و صورتش را می‌بوسد و می‌گوید: «آخی! بمیرم الهی! درد

داری؟ زیاد درد نداشتم، ولی گفتم: خیلی» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۰). هستی، دایی جمشید را هم خیلی دوست دارد؛ چون هم حرف‌هایش را می‌شنود و هم مهارت‌های مختلف مثل موتورسواری و شناخت اجزای موتور را به او آموخته است. در زمان شروع جنگ وقتی هستی و خانواده‌اش می‌خواستند از آبادان به ماهشهر بروند، به هستی می‌گوید: «تو دختر باهوش و زبر و زرنگی هستی. مو که بهت افتخار می‌کنم» (همان: ۸۹) که نشان می‌دهد حتی در شرایط جنگی نیز حامی هستی است و به او روحیه می‌دهد. موضوع علاقه هستی به رفتارهای پسرانه دور از چشم مادرش نیست. مادر به اقتضای زمان به صورت غیرمستقیم به هستی یادآور می‌شود که او دختر است؛ زیرا قصد دارد در این مسیر، هستی به شناخت هویت جنسی برسد. روزی هستی موهایش را با تیغ می‌تراشد و کسی در آن زمان معترض او نمی‌شود؛ اما پس از مدتی که کمی موهایش بلند می‌شود، مادرش چنین با او صحبت می‌کند: «مامان دست کشید توی موهام. گفت: موها تار داره بلند می‌شه. موی بلند بیشتر بهت میاد» (همان: ۴۳). یکی از ویژگی‌های مادر هستی، مطالعه کتاب‌های روان‌شناسی است که به او کمک می‌کند رفتار مناسبی با هستی داشته باشد. هستی در توصیف مادر در برابر رفتارهای پسرانه‌اش می‌گوید: «توی کتاب‌های روان‌شناسی و ادبیات چیزهایی خوانده بود و فکرش روشن شده بود» (همان: ۲۷). این اثر با درایت، رفتارهای هستی را بخشی از فرایند رشد و شکل‌گیری هویت وی بیان می‌کند که در کتاب‌های روان‌شناسی به آن پرداخته شده است و نیز مخاطبش را برای فهم رفتارهای غیرمعمول نوجوان یا دیگر افراد، به مطالعه کردن رهنمون می‌سازد. نتیجه این حمایت‌ها ایجاد احساس اعتماد به نفس، استقلال و شکل‌گیری فضیلت «تعهد» در هستی است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۳.۲.۷. اعتراض نوجوان به نظام ارزشی بزرگسالان

گاهی اعتراض نوجوانان به رفتارهای مخرب بزرگ‌ترها و اعلام لیاقت‌نداشتن آن‌ها، برای تقلید درست است. آنان با اعتراض، نسل قبل را به بازنگری در نظام ارزشی خود مجبور می‌کنند (Erikson, 1964: 125). در هر دو رمان عربی و فارسی شاهد اعتراض نوجوانان به رفتار نادرست بزرگترها که بخشی از نظام ارزشی آن‌ها محسوب می‌شود، هستیم. قرار است برای دالیا خواستگار بیاید و او به شدت معترض پدر و مادرش برای انجام مراسم خواستگاری سنتی است در حالی که این شیوه ازدواج جزء ارزش‌های پدر و مادر است: «لکنی لارید یا بابا. افهمنی ... هذه طريقة زواج قديمة. لاتنفع لبنات جیلی» (شرف‌الدین، ۲۰۱۷: ۳۲). دالیا با همه اعتراض‌هایش به این نوع ازدواج، بعد از مدتی به ازدواج سنتی تن می‌دهد و نمی‌تواند نگرش خانواده‌اش را به این موضوع تغییر دهد. در سوی دیگر، فاتن نیز معترض پدری تن‌پرور است که نظام فکری و ارزشی او این اجازه را می‌دهد تا برای تأمین مخارج خانواده، فاتن را به عنوان خدمتکار شبانه‌روزی به خانه دیگران بفرستد: «عمري خمس عشرة سنة. هل نسیت؟ أريد ان اعود الی البيت. ارید ان اکون معکم فی البيت» (همان: ۲). فاتن در نخستین روز حضورش در بیروت، این جملات اعتراضی را در ذهن خطاب به پدر می‌گوید. در آن روز، حتی قدرت و جرئت این را ندارد که آن را بر زبان آورد، اما بعد از دو سال دست و پا زدن در بحران و یک سال درس خواندن تصمیم می‌گیرد که برخلاف خواسته پدر به مسیر علمی خویش ادامه دهد؛ هرچند اکنون پدر نیز به نحوی راضی شده است.

در نظام ارزشی برخی از پدران، خشونت راهی برای تسلط بر فرزندان است. در روایت دیگر، اعتراض هستی به رفتارهای تحقیرکننده پدر نسبت به خودش، از ابتدا تا صفحات پایانی رمان بارها و بارها تکرار می‌شود. «چرا بابا

همیشه با من بد رفتاری می‌کرد؟ سرم داد می‌زد و توی حمام زندانی می‌کرد؟ کتکم می‌زد و مثل باباهای دیگر مرا در آغوش نمی‌گرفت؟ چرا همه‌اش قربان مامان و آن نی‌نی که هنوز نیامده بود می‌رفت؟» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۹). همه این اعتراض‌های هستی در نهان خود، این خواسته را فریاد می‌زند که من هویت مستقل خودم را می‌خواهم؛ من باورهای شما را که اکنون به ارزش تبدیل شده است، قبول ندارم؛ شما باید افکارتان را تغییر دهید و برای من و خواسته‌هایم ارزش قائل شوید. در انتهای رمان شاهد پاسخ پدر به این سؤالات هستی هستیم که در قسمت «بحران هویت» به آن پرداخته شد.

در نمونه‌های مذکور ملاحظه شد که دالیا با وجود اعتراض به ازدواج سنتی، در نهایت تسلیم آن می‌شود اما فاتن با تلاش و همت، در پی اعتراضش شرایط را به نفع خود تغییر می‌دهد و هستی نیز با انجام رفتارهای سراسر جسارت باعث می‌شود تا پدر عامل رفتارهای پرخاشگرانه با او را فاش کند.

۷. ۲. ۴. عشق در دوران نوجوانی

اریکسون معتقد است که عشق دوران نوجوانی اساساً ماهیت جنسی ندارد؛ مگر آنکه عرف و قواعد اجتماعی چنین اقتضا کند. عشق دوران نوجوانی تا حدود زیادی تلاش نوجوان برای تعریف هویت خود، از طریق بازتاباندن تصویر هویت سردرگم خود روی فرد دیگر و دیدن انعکاس آن برای رسیدن به تصویری شفاف‌تر از هویت خویش است؛ به همین دلیل است که عشق دوران نوجوانی بیشتر بر پایه گفت‌وگو است (Erikson, 1963: 262). شرف‌الدین در روایت فاتن، به‌وضوح مسئله عشق در میان نوجوانان را مطرح می‌کند که موضوعی ادامه‌دار از آغاز تا پایان روایت است. در همان اوایل حضور فاتن در خانه آقای عاصم، رگه‌های عشق در فاتن شکل می‌گیرد. تراس آشپزخانه رو به خیابان است و هر روز پسر جوانی (مروان) را می‌بیند که با مرسدس بنز آبی تیره‌اش ساعت خروج و ورود مشخصی به خانه دارد. فاتن از تراس به خانه آن‌ها اشراف دارد و اگر پرده منزلشان کنار باشد، کارهای او را در خانه می‌بیند. پس از مدتی، مروان نیز متوجه حضور فاتن می‌شود و ارتباطی بی‌کلام میانشان شکل می‌گیرد. سؤالی که ذهن فاتن را به خود مشغول کرده این است که آیا او واقعاً پسر جوان را دوست دارد و یا این زیرنظرگرفتن‌ها و ارتباطات بی‌کلام، علتی برای ادامه زندگی در وضعیت نامطلوب است؟ (شرف‌الدین، ۲۰۱۷: ۵-۷). همان‌طور که گفته شد، فاتن و مروان به واسطه هماهنگی‌های رزالین از نزدیک یکدیگر را می‌بینند و رابطه عاطفی میانشان شکل می‌گیرد (همان: ۴۷). پس از اتفاقات پرفراز و نشیب برای فاتن و مروان، در پایان روایت برای صحبت در مورد زندگی مشترک در کافی‌شاپ ساحلی قرار ملاقات می‌گذارند.

حسن‌زاده در قسمت‌های پایانی روایت هستی، عشق نوجوانی را در نهایت ظرافت، مستوری و احساس برای مخاطب ترسیم می‌کند. هستی و خانواده‌اش بعد از جنگ به‌اجبار از آبادان به کمپی در ماهشهر نقل مکان می‌کنند (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۷). در آنجا هستی با لیلی دوست می‌شود و برای تمرین جودو به خانه‌شان می‌رود. برادر بزرگ‌تر لیلی، شاپور، دان پنج جودو دارد و لیلی جودو را از او آموخته است (همان: ۱۳۳). طی دیدارهای هستی و شاپور به‌واسطه رفتن به خانه‌شان برای تمرین جودو یا ملاقات در کوچه و خیابان، محبتی متقابل در هر دو شکل می‌گیرد. شاپور از هسته خرما اشیاء مختلف درست می‌کند. وقتی می‌بیند که هستی دوست دارد نامش را روی آن حک کند، تصمیم می‌گیرد آن را عملی کند (همان: ۱۴۲-۱۵۴). پس از مدتی، شاپور داوطلبانه برای جنگیدن به آبادان می‌رود و در این حین به‌شدت

مجروح می‌شود. در لحظات آخر حیاتش، دایی جمشید (دایی هستی) را می‌شناسد و بسته کوچکی به او می‌دهد تا به هستی بدهد. امانتی به دست هستی می‌رسد. هنگامی که هستی از دایی جدا می‌شود: «مستم با لرزشی گنگ باز شد. یک ماهی کوچک بود. یک ماهی تراشیده شده از هسته خرما. صیقلی و سوهان خورده و قشنگ. روی تنه ماهی با خط قشنگی نوشته شده بود: هستی.» (همان: ۲۶۱-۲۶۲)

شرف‌الدین جریان عاشقانه رمانش را با رایحه وصل به پایان می‌برد، اما حسن‌زاده شهادت را برای اتمام یکی از زیباترین احساسات رمانش یعنی عشق برمی‌گزیند و مخاطب را با یادآوری یکی از بی‌رحمانه‌ترین تبعات جنگ با بغضی گلوگیر تنها می‌گذارد.

۷.۳. تعهد (پایبندی)^{۲۰}

به عقیده اریکسون، زمانی که بحران هویت در نوجوان به صورت موفقیت‌آمیز حل می‌شود، ویژگی «تعهد» در او شکل می‌گیرد. وی این ویژگی را دنبال کردن آزادانه علاقه‌ها به‌رغم تنگناهای اجتناب‌ناپذیر نظام ارزشی می‌داند. در پی حل موفقیت‌آمیز بحران‌ها در هر مرحله فضایل یا همان نقاط قوت انسانی ظاهر می‌شوند. (Erikson, 1964: 98) اریکسون برای توصیف نقطه قوت ایگو، از اصطلاح فضیلت^{۲۱} استفاده می‌کند که قوتی ذاتی است (Erikson, 1963: 273-274). اریکسون معتقد است فضیلت دوران نوجوانی، «تعهد» است که باعث می‌شود نوجوان با خود و اطرافیانش صادق‌تر باشد و امیدوارانه به سوی آینده حرکت کند (Erikson, 1975: 209). وی نوجوانانی را که به سلامت بحران‌هایشان را حل کرده‌اند، نوآوران فرهنگی جامعه می‌داند و نه حافظان سنت‌ها و رسوم آن (Erikson, 1968, b: 172-173). شاملو به نقل از اریکسون ذکر می‌کند که تعهد باعث شکل‌گیری ایدئولوژی می‌شود که در اینجا به معنای ارزش‌های ناخودآگاه در زمینه‌های مذهبی، علمی و اجتماعی است. ایدئولوژی می‌تواند به سؤالات مهم هویتی همچون «من کیستم؟» و «به کجا می‌روم؟» به صورت ساده پاسخ دهد که هدف آن، تقویت هویت فردی و جمعی در نوجوان است (شاملو، ۱۳۷۲: ۶۷). هنگامی که فرد صاحب ایدئولوژی می‌شود، دیگر وارد هر جمعی نمی‌شود و به هر خواسته‌ای تن نمی‌دهد؛ بلکه او در تصمیم‌گیری برای خویش، در مقام هویت فردی و در گروه‌هایی که عضو است در مقام هویت جمعی، آگاهانه و متعهدانه عمل می‌کند.

فاتن بعد از اتمام کارهای منزل روی تختش دراز می‌کشد. تنها کتاب درسی را که با خودش آورده است، برمی‌دارد و ورق می‌زند. به تصویری می‌رسد؛ تصویر بیماری که با مهربانی و قدرشناسی به پرستار نگاه می‌کند. این عواطف و احساسات در زندگی احمقانه او جایی ندارند. دو سال است هزاران بار این تصویر را دیده است، اما این بار جرقه‌ای در ذهنش روشن می‌شود. آری! او می‌خواهد پرستار شود و تصمیم سرنوشت‌سازش را می‌گیرد (شرف‌الدین، ۲۰۱۷: ۱-۷). همان‌طور که بیان شد، فاتن با حمایت مروان و دوستش دلال و رزالین موفق می‌شود تا ادامه تحصیل دهد. زمان زیادی را صرف نظافت، پخت غذا و رتق و فتق کارهای خانه می‌کند، اما امیدوارانه و پرتلاش در زمان محدودی که در اختیار دارد، پنهانی در اتاق محقرش مطالعه می‌کند (همان: ۱۰۵-۱۰۶) و در امتحانات پایان سال موفق می‌شود (همان: ۱۴۶).

این موفقیت و حرکت به‌سوی آینده دلخواه، به بهای اخراج‌شدنش از محل کار تمام می‌شود؛ زیرا برای شرکت در امتحانات چند روزی را به خانه دوست رزالین می‌رود و به خانواده آقای عاصم می‌گوید که پدرش بیمار است و باید به

روستا برود. بعد از اتمام امتحانات و بازگشت فاتن به خانه، به علت آگاهی آنان از نرفتن او به روستا، در را برایش باز نمی‌کنند: «لأحد یفتح الباب.» (همان: ۱۲۶) از سوی دیگر، پدر فاتن نیز از قضیه مطلع شده است و گمان نادرست بر او دارند. در تماس با خانواده، پدر می‌گوید: «این هربت یا سافله؟ (همان) فاتن یک روز را با تشویش بسیار در بیروت سپری می‌کند، اما بعد از آرام شدن به خودش می‌گوید که نباید تسلیم شود و باید پای تعهد و تصمیمش برای موفقیت بایستد: «لایجب أن استسلم. این کل عزمی للنجاح و الخروج من وضعی هذا؟ لن أهرب من حیاتی. علی أن أكون أقوى من ذلك. علی أن اجد حلاً» (همان: ۱۲۹). فاتن به روستا می‌رود و بعد از یک ماه به دنبال کار به بیروت بازمی‌گردد. شوق پرستار شدن و آینده روشن همراه همیشگی اوست؛ به همین دلیل، به چند بیمارستان به‌عنوان منشی درخواست کار می‌دهد. بعد از چند روز دعوت به مصاحبه شده و سپس پذیرفته می‌شود و کار و تحصیل در سال آخر دبیرستان را با هم پیش می‌برد (همان: ۱۲۶-۱۴۴). فاتن بعد از اینکه دو سال با بحران هویت دست‌وپنجه نرم می‌کند، با تصمیم گرفتن به درس خواندن و حمایت دوستان، به‌مرور موفق به حل آن می‌شود؛ تا جایی که در برابر نظام ارزشی پدر که دختر باید کار کند و کمک‌خرج خانواده باشد، می‌ایستد. پس از رهایی از بحران، اکنون فاتن برای پدرش تصمیم می‌گیرد تا برای اداره خانواده تلاش بیشتری کند و نه پدر برای او؛ در اینجاست که فاتن به نوآور فرهنگی تبدیل می‌شود که در برابر رسوم جامعه قد علم می‌کند. فاتن به‌مرور به توانایی‌ها و ارزش‌های علمی و اجتماعی خویش واقف می‌شود و هویت فردی‌اش را با تلاش و «تعهد» به خویشتن برای رهایی از حقارت و هویت اجتماعی‌اش را با افزایش توانمندی ارتباط با جامعه قوت می‌بخشد؛ تا جایی که می‌تواند در مصاحبه شغلی بیمارستان با موفقیت ظاهر شود و دوستان ارزشمندی را به‌واسطه جدیت در «تعهد» در کنار خویش داشته باشد. علت رشد هویتی فاتن این است که تجربه‌های روانی اجتماعی این مدت را با تحلیل و یکپارچه‌کردن و نیز به‌کارگیری توانمندی‌هایش به یکدیگر پیوند داده که به تقویت ایگو منجر شده است. فاتن با وجود تنگناهای بسیار نظام ارزشی خانواده و جامعه با تمام توان علاقه‌اش را دنبال کرد و به هدفش رسید.

در رمان هستی، «تعهد» هستی در قبال مادر، دایی جمشید و خاله نسرین، بارها مشاهده می‌شود. همان‌طور که گفته شد، هستی بسیار به فوتبال علاقه دارد. در خانه با دست شکسته در کنار مادر باردارش نشسته است. زنگ خانه به صدا درمی‌آید. هستی در را باز می‌کند. سید موسی پسر همسایه است: «گفت: می‌ای گل کوچیک! خیلی دلم می‌خواست. مامان را دیدم کنار بشکه نفت دستش به کمرش بود ... دستم را بهانه کردم ... گفت خوب با بچه‌ها بریم لب شط، قلابامونه بیاریم، ماهی بگیریم ... درد دستم را بهانه کردم ... دلواپس حال مامان بودم که چشم‌هایش یک جور دیگر شده بود» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۲-۴۳). در اینجا در تعارض میان در کنار مادر ماندن و بازی فوتبال که از همه کارهای دنیا برایش بااهمیت‌تر بود، تجلی تعهد سبب می‌شود تا هستی در کنار مادر بودن را به فوتبال ترجیح دهد. در جایی دیگر، وقتی اولین بمباران حمله عراق به ایران صورت می‌گیرد، خانه‌شان ویران می‌شود و زیر آوار گیر می‌کنند. مادر باردار هستی او را صدا می‌زند و از او کمک می‌خواهد. هستی گیج گیج است. صدای جیغ و گریه مادر را می‌شنود: «فکر کردم نباید گم شویم، باید پیدا شویم» (همان: ۴۶). از دست گچ‌گرفته‌اش کاری بر نمی‌آید. با دست دیگر سوتش را پیدا می‌کند: «گذاشتمش لای لب‌های خاک‌گرفته‌ام و فوت کردم. فوت کردم ...» (همان) و بعد پیدا می‌شوند.

هستی در آغاز نوجوانی است و نوع بروز «تعهد» در او در پی حمایت‌های اطرافیان ظهور می‌یابد. او نیز به‌طور متقابل به حمایت و قدردانی از آنان متعهد است. هستی پدری دارد که وقتی در خانه یا جای دیگر از او ناراحت می‌شود،

بی‌درنگ واکنش نشان می‌دهد و او را به باد ناسزا و تحقیر می‌گیرد. در خانه که باشد، تنبیه فیزیکی هم می‌شود و همیشه مادر زیرکانه در برابر پدر می‌ایستد. با زبان طنز و حفظ احترام نیز به هستی گوشزد می‌کند که مراقب رفتارش باشد و هم حامی‌بودنش را به هستی نشان می‌دهد. همین حمایت‌های همیشگی در کنار اتفاقات روزمره، تجربه‌های روانی اجتماعی او را شکل می‌دهند و ذهن تحلیلگر و پرسؤال او، آن را وسیله‌ای برای رشد و تقویت ایگو قرار می‌دهد؛ درنتیجه از غم‌ها و بحران‌های آن دوران هستی می‌کاهد و او را متعهد و پایبند مادر و نزدیکانش می‌کند تا با سن کمش هر کاری را که از دستش برمی‌آید، انجام دهد.

فاتن با حمایت‌های اجتماعی و اندیشه خویش، با موفقیت بحران‌های جدی‌اش را حل می‌کند و به مرحله «تعهد» می‌رسد. هستی به دلیل سن کمش توانایی حضور در جامعه را ندارد. او با بهره‌مندی از خانواده و خویشانی فهیم در نهاد اجتماعی خانواده حمایت می‌شود و پاسخ سؤالاتش را می‌یابد و وارد مسیر «تعهد» و رشد می‌شود.

نتیجه

پژوهش حاضر با اهداف شناسایی چالش‌های هویتی شخصیت‌های نوجوان در رمان‌های فاتن و هستی، براساس نظریه رشد روانی اجتماعی اریک اریکسون و نحوه برخورد آن‌ها در برابر چالش‌ها انجام شد. در دو رمان فاتن و هستی، رشد هویت سالم دختران نوجوان بسیار حائز اهمیت است. فقر و جنگ، فضای حاکم بر هر دو رمان است تا هم فضای بسیار ناخوشایند زندگی را به تصویر بکشد و هم به مخاطبان نوجوان خویش بگوید که می‌توان از بحران‌ها به سلامت عبور کرد. قهرمان داستان در هر دو روایت دختران نوجوانی هستند که خانواده‌هایشان با فقر دست‌وپنجه نرم می‌کنند که این امر بر روند رشد آنان تأثیر مستقیم دارد. یکی از مؤلفه‌های دوران نوجوانی در دیدگاه اریکسون، «بحران هویت» است که موجب «آشفته‌گی نقش» می‌شود. «بحران هویت» فاتن در دو سال دوره خدمتکاری او به وجود می‌آید که ناشی از عوامل متعددی است: ترک مدرسه به اجبار، دوری از خانواده، دوری از دوستان، خدمتکاری، نقل مکان از روستا به شهری درگیر جنگ، امرونی اعضای خانواده چهارنفره آقای عاصم، نظافت روزانه تمام منزل، دریافت تمام حقوق ماهیانه توسط پدر به جای وی. همه این‌ها فاتن را سخت می‌آزرد و توانش را تحلیل می‌برد و با ادامه تحصیل موقعیت خویش را تغییر می‌دهد؛ در سوی دیگر، هستی در ظاهر پدر دارد، اما آن قدر او را در موقعیت‌های مختلف تحقیر و سرکوب می‌کند که او را با سؤال بنیادی «من کیستم؟» از حیث اینکه «پدر من کیست؟» مواجه می‌کند و باعث «سرگشته‌گی هویتی» او می‌شود. هستی با انجام کارهای جسورانه بالاخره به پاسخ خود می‌رسد. براساس دیدگاه اریکسون، یکی از صفات دوران نوجوانی برای هویت‌یابی، «هماندسازی با قهرمان‌ها، گروه‌ها و جماعت‌ها» است. این مؤلفه در داستان فاتن درمتحدشدن همکلاسی‌های دالیا برای تقلب نمود می‌یابد که نوعی از هماندسازی تعدادی از نوجوانان با یکدیگر برای فرار از اضطراب ناشی از درس نخواندن است؛ هستی به رفتارهای پسرانه علاقه‌مند است و با پسران هماندسازی می‌کند که گمان می‌رود برای کسب قدرت و کاهش تعارضات درونی و اضطراب در برابر رفتارهای خشونت‌آمیز پدر باشد. از دیدگاه اریکسون، یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت‌یابی، «حمایت جامعه از نوجوان» است. در نظر وی حمایت‌های اجتماعی از عوامل تکامل هویت نوجوان است. این مؤلفه در هر دو روایت به‌وضوح به چشم می‌خورد. رزالین، مروان، دلال و پدر دلال در فاتن این مؤلفه را تحقق می‌بخشند و در هستی مادر، خاله نسرين و دایی جمشید به‌عنوان حمایت‌گران حضور دارند. اریکسون «اعتراض نوجوانان به رفتارهای بزرگسالان» را بخشی از روند رشد هویتی آنان

برای هویت‌یابی می‌داند. در فاتن دالیا در برابر خواستگارهای سنتی به مخالفت با پدر برمی‌خیزد چنان که فاتن نیز به سنت کارکردن دختران به‌عنوان خدمتکار برای کمک به اقتصاد خانواده معترض است و اعتراض هستی به رفتارهای تحقیرکننده پدر نسبت به خودش، از ابتدا تا صفحات پایانی رمان بارها و بارها تکرار می‌شود. دالیا تسلیم پدر می‌شود اما فاتن و هستی باعث تغییر رفتار پدرانشان می‌شوند. دیگر مؤلفه هویت‌یابی از نظر اریکسون «عشق در دوران نوجوانی» است که جنبه جنسی ندارد و به منظور پیدا کردن هویت خود است. در این دو روایت فاتن دل‌بسته مروان می‌شود و در هستی محبت منصور شکل می‌گیرد. دیگر مؤلفه نوجوانی، دستیابی به فضیلت «تعهد» به هنگام حل شدن بحران است. فاتن بر بحران‌های مختلف غلبه می‌کند و این ایدئولوژی در او شکل می‌گیرد که باید تحصیل خود را ادامه دهد و شغل آبرومندی برای خود دست و پا کند و عملاً به این اهداف می‌رسد. در رمان هستی، تعهد هستی در قبال مادر، دایی جمشید و خاله نسرین، بارها مشاهده می‌شود. مراقبت از مادر باردار و نجات وی از زیر آوار نمودهایی از تعهد قهرمان این رمان است. براساس آنچه بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که آموزش غیرمستقیم مهارت‌های توسعه فردی و رشد هویت در نوجوانان در دو رمان مذکور بسیار مورد اهتمام است. در تمام رویدادهای هر دو اثر، توصیه و راهنمایی نهفته است؛ تشویق به صبر، خانواده‌دوستی، احترام به بزرگ‌ترها، حمایت از اعضای خانواده، درک اوضاع نامناسب اقتصادی خانواده، تعهد در برابر دیگران و مهم‌تر از همه تشویق به تحصیل، بسیار تأکید شده است.

پی‌نوشت‌ها

- ^۱. psychosocial development theory
- ^۲. Erik Homburger Erikson
- ^۳. James E. Côté
- ^۴. The Enduring Usefulness of Erikson's Concept of the Identity Crisis in the 21st Century: An Analysis of Student Mental Health Concerns
- ^۵. Epigenetic principle
- ^۶. *Childhood & Society*
- ^۷. Ego
- ^۸. Crisis
- ^۹. Moratorium
- ^{۱۰}. Identity crisis
- ^{۱۱}. McCallum
- ^{۱۲}. Karen Coats
- ^{۱۳}. Maria Nikolajeva
- ^{۱۴}. Gramsci
- ^{۱۵}. Negative Identity
- ^{۱۶}. Role Confusion
- ^{۱۷}. Thoits
- ^{۱۸}. Self-image
- ^{۱۹}. Identification
- ^{۲۰}. Fidelity
- ^{۲۱}. Virtue

کتابنامه

۱. حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۸۹). هستی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
 ۲. خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۷). *دیگرخوانی های ناگزیر*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
 ۳. دان، رابرت جی. (۱۳۸۵). *بحران های هویت: نقد اجتماعی پست مدرنیته*. ترجمه صالح نجفی. تهران: جهان کتاب.
 ۴. راجر، آلن. (۱۳۹۷). *رمان عرب*. ترجمه محمد جواهرکلام. تهران: شادگان
 ۵. شاملو، سعید. (۱۳۷۲). *مکتب ها و نظریه ها در روانشناسی شخصیت*. چاپ چهارم. تهران: نشر فجر.
 ۶. شرف‌الدین، فاطمه. (۲۰۱۷). فتن. الطبعة الثانية. شارقة: کلمات.
 ۷. علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۶). *هویت و بحران هویت*. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی.
 ۸. کوتیه، ای جیمس و لیفین، تشارلز جی. (۲۰۲۱). *تکوین الهوية والشباب والتنمية*. المملكة العربية السعودية: دار الكتاب التربوي.
 ۹. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موقیان. تهران: نشر نی.
 ۱۰. میلر، پارتیشیا اچ. (۱۳۹۳). *نظریه های روانشناسی رشد از کودکی تا بزرگسالی*. ترجمه پرویز شریفی درآمدی و محمد رضا شاهی. تهران: ویرایش.
 ۱۱. یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۰). *انسان در جستجوی هویت خویشتن*. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: جامی.
 ۱۲. سروش، وجیهه؛ امیری، جهانگیر؛ سلیمی، علی؛ معروف، یحیی. (۱۴۰۱). «روابط عاطفی در دو رمان «أنا أحياء» و «عادت می کنیم» بر اساس نظریه هرم عشق استرنبرگ». *زبان و ادبیات عربی*، دوره ۱۴، شماره ۳. صص ۸۴-۹۹.
- Doi:10.22067/jallv14.i3.2209-1188
۱۳. السلطان، ابتسام محمود محمد سلطان. (۲۰۰۴). *تطور الهوية و علاقته بنمو الأحكام الخلقية لدى المراهقين*. رسالة ماجستير. كلية التربية، جامعه موصل.
 ۱۴. کوتس، کارن. (۱۴۰۰). «ادبیات نوجوان بزرگ شدن در حوزه نظریه». مترجم: محمدجواد مهدوی. هورام، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۳-۵۹.
 ۱۵. مریمی، الهام و احمدرضا حیدریان شهری. (۱۴۰۱). «بازنمایی جایگاه زن در جامعه سنتی رمان های میرال الطحاوی؛ الخباء و نقرات الطباء». *زبان و ادبیات عربی*، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۳۵-۵۰.
- Doi: 10.22067/jallv14.i2.80842
16. Erikson, Erik. H. (1963). **Childhood and Society**. New York :Norton.
 17. ----- (1964). **Insight and responsibility**. New York: Norton.
 18. -----(1968a). **Identity and Identitydiffusion**. New York: Wiley.
 19. ----- (1968b). **Identity: Youth and crisis**. New York: Norton.
 20. -----(1975).**Life history and the historical moment**. New York: Norton.
 21. Evans, Richard I. (1967). **Dialogue with Erik Erikson**. New York: Harper & Row.
 22. Ryckman, Richard M. (2008). **Theories of Personality**. Ninth Edition. USA: Thomson Wadsworth.
 23. Trites ,Seelinger Roberta.(2000).**disturbing the Universe: Power and Repression in Adolescent Literature**. Iowa City: University of Iowa Press.
 24. Bezci, Şenol. (2008). "Youth in crisis: an eriksonian interpretation of adolescent identity in "franny"". *Novitas-ROYAL (Research on Youth and Language)*.2(1). 1-12.
 25. Côté, James E (2018). "The enduring usefulness of erikson's concept of the identity crisis in the 21st century: an analysis of student mental health concerns". *Identity*.18(4). 251-263. DOI: 10.1080/15283488.2018.1524328.

26. Desrochers, Stephan, Jeanine Andreassi, and Cynthia Thompson (2004). "Identity Theory". *Organization Management Journal (Palgrave Macmillan Ltd.)*. (1).1. 61-69.
27. Schachter, Elli (2014). "Multiple identities as viewed by Eriksonian theory and its critics: A psychological perspective with relevance to contemporary Jewish education". *International Journal of Jewish Education and Research*. 2013 (5-6). 71-90.

References

- Alikhani, A .A. (2007). *Identity and identity crisis*. Second Edition. Tehran: Institute for Humanities, Culture and Social Studies. [In Persian].
- Coats, K. (2021). *Young Adult Literature: Growing Up, In Theory*, Translator: mohammad javad Mahdavi, *Horam*, 1(1). 43-59. [In Persian].
- Cotté, E. J & Levine, Ch. (2021). *Identity formation, youth and development*. Saudi Arabia: Educational Book House. [In Arabic].
- Dunn, R. G. (2006). *Identity crises: a social critique of Postmodernity*. translated by saleh Najafi. Tehran: jahane ketab. [In Persian].
- Giddens, A. (1999). *Modernity and Individuality: Society and Personal Identity in the New Age*. translated by Nasser Movafegian. Tehran: Ney. [In Persian].
- Hasanzadeh, F. (2010). *Hasti*. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adult. [In Persian].
- Jung, C. G. (2001). *Modern Man in Search of a Soul*. Translated by Mahmoud Behfrozi. Tehran: Jami. [In Persian].
- Khosronejad, M. (2008). *In quest for the centre*. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adult. [In Persian].
- Maryami, E & Heydarianshahri, A. (2022). "Representation of the position of women in the traditional society in the novels of Al-Khaba and Noghrat Al-Dhaba by Miral Tahawi". *Journal of Arabic Language & Literature*. 14(2). 35-50.
Doi: 10.22067/jallv14.i2.80842. [In Persian].
- Miller, P. H. (2014). *Theories of developmental psychology*. translated by parviz Sharifi daramadi. Mohamadreza shahi. Tehran: virayesh. [In Persian]
- Roger, A. (2018). *The Arab Novel*. Translated by Mohammad Jawaherkalam. Tehran: Shadegan. [In Persian].
- AlSultan, I. (2004). *The development of identity and its relationship to the development of moral judgments among adolescents*. Master's thesis. University of Mosul. [In Arabic].
- Shamloo, S. (1993). *Schools and Theories in Personality Psychology*. 4th Edition. Tehran: Fajr Publication. [In Persian].
- Sharafeddine, F. (2017). *Faten*. Second edition. Sharjah: kalamat. [In Arabic].
- Soroush, V; Jahangir, A; Salimi, A; Maroof, Y. (1401). "Investigation of emotional relationships in two novels "Anna Ahia" and "Adat MiKonim" based on Sternberg's love pyramid theory". *Journal of Arabic Language and Literature*. 14 (3). 84-99.
Doi:10.22067/jallv14.i3.2209-1188. [In Persian].